

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۰۴ اگست ۲۰۲۲



محمد محق

شکار ظواهری، آیا ستراتیژی امریکا تغییر کرده است؟

با قتل ظواهری به وسیله هواپیماهای بی‌سرنشین امریکائی، یک بار دیگر بحث‌ها در باره نقش امریکا در افغانستان داغ شده و دو نظریه را رو در رو هم قرار داده است: نخست نظریه‌ای خوش‌بینانه که می‌گوید صبر ایالات متحده در برابر طالبان به پایان رسیده و ستراتیژی آن به سوی براندازی این گروه تغییر کرده است، دوم نظریه‌ای که می‌گوید این حمله در هماهنگی با طالبان صورت گرفته و شروع روندی از همکاری میان این گروه با امریکا جهت اعتمادسازی است تا زمینه به رسمیت شناختن حکومت طالبان فراهم شده، افغانستان برای مدت‌های طولانی در زیر سیطره یک گروه تروریستی اسیر باشد.

کسانی که به تئوری توطئه گرایش دارند معتقدند که ایالات متحده با ناامید شدن از حکومت پیشین، تصمیم گرفت طالبان را جایگزین آن کند، تا به وسیله آن ایران، آسیای میانه و چین را زیر فشار بگذارد. از نظر آنان، کمک طالبان به کشتن ایمن ظواهری در همین راستا صورت گرفته است. از این طریق رد پای امریکا در میدان دادن به گروه‌های تروریستی در این منطقه و همسویی طالبان با امریکا پنهان شده، به کمک این گروه، گودالی بزرگ برای رقبای امریکا در منطقه حفر خواهد شد.

کسانی که با خوش‌بینی به این حمله نگاه کرده قتل ظواهری را نشانه چرخشی اساسی در سیاست‌های امریکا می‌دانند معتقدند که امریکا به هیچ صورت بیست سال دشمنی طالبان و پاکستان را فراموش نخواهد کرد و هرچند تداوم جنگ به بالا رفتن هزینه حضور امریکا و سپس خروج نیروهای آن کشور انجامید، اما قضیه انتقام و حتی سقوط طالبان منتفی نشده است. از نظر آنان قتل ظواهری دو پیام به رهبران طالبان دارد: نخست، ما از همه روابط شما با گروه‌های تروریستی آگاهیم، دوم، همان طور که ظواهری را با یک شلیک از میان برداشتیم، شما را هم می‌توانیم به آسانی به دنبال او بفرستیم.

علیرغم وجود قراینی عینی به تأیید هر یک از این دو دیدگاه، به نظر نمی‌رسد که سیاه و سفید دیدن این ماجرا به فهم کامل آن کمک کند. کشورهای بزرگ دنیا، به ویژه ایالات متحده، به متغیرهای گوناگون در عرصه سیاست آگاهند و در اغلب موارد اصل را بر انعطاف‌پذیری گذاشته با پیش‌بینی چندین سناریو برای هر یک آمادگی می‌گیرند. وجود دولتی دموکراتیک، با ثبات و همپیمان با امریکا در افغانستان بدون شک یکی از بهترین سناریوهاست، اما هنگامی که متغیرهای بیرونی چنین چیزی را اجازه ندهد، می‌توان آماده بدترین سناریو شد: همپیمانی با حاکمیت یک گروه تروریستی برای رسیدن به اهداف بلندتر، که هرچند از نظر اخلاقی درست نیست، اما با پرگماتیسم رایج در سیاست‌های امروز دنیا همخوانی دارد و به صرفه است.

اگر تحولات اخیر را از حیث تفکیک تاکتیک و ستراتیژی در نظر بگیریم، می‌توان قضیه را به این شکل دید: طالبان به امریکا وعده داده بودند که کاملاً با آن همکار می‌شوند، اما به علت بی‌اعتمادی به آن، به فعالیت گروه‌های تروریستی بین‌المللی مجال دادند، تا اهرم فشاری بر امریکا و دیگر کشورها باشد. ستراتیژی امریکا این است که این گروه را به همپیمان متعهد خود تبدیل کند، اما از تداوم دوستی آن با چین، روسیه و ایران ناخرسند است. قتل ظواهری می‌تواند آسیب‌پذیر بودن طالبان را به این گروه یادآوری کند و فشاری باشد برای پایان دادن ماه عسل خود با رقبای امریکا. سناریوی دیگری نیز می‌تواند در میان باشد: اگر طالبان در روابط خود با آن کشورها تجدید نظر نکند، می‌توان گروه‌های مخالف طالبان را به صحنه برگردانید، به شرط این‌که بر پراکندگی‌های زیانبار خود فایز آیند، پراکندگی و تشتتی که سبب شکست آنان و پیروزی طالبان بوده است.